

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ادوارد هرمن *
برگردان از: حمید محوی
۰۳ مارچ ۲۰۱۳

سلاح کیمیائی، سوریه و هدیانه‌های امریکا

ایالات متحده اظهار نگرانی کرده است. ایالات متحده ادعا می کند که دلایلی در اختیار دارد که نشان می دهد که دولت سوریه می تواند به عنوان حرف آخر از سلاح کیمیائی استفاده کند. در پی این موضوع، خشم عمومی و جنجال رسانه ای بر پا شد. به همین علت برای ادوارد هرمن فرصتی فراهم ساخت تا به حساب ایالات متحده در این زمینه بپردازد. آیا شکارچیان غیر قانونی نگهبانان خوبی برای جنگل خواهند بود؟

میشل کولن



«شوتزپاه»: آن است که به آخرین درجه تکبر، بی حرمتی، و فقدان تمام و کمال شرم رسیده باشد. مترادف شجاعت حقارت آمیز است، وقاحت، گستاخی، در محیطی که بی شرمی جزء قواعد رایج است از حالت تحقیر آمیزش خارج می شود... به زبان عبری، واژه «شوتزپاه» حاکی از برانگیخته شدن علیه فردی است که بی هیچ شرم و حیائی قویا از حد و حدود رفتار قابل قبول پا فراتر می گذارد.

وقتی وزیر امور خارجه هیلری کلینتن و رئیس جمهور اوباما را می بینیم که با حالتی سنگین و مصیبت زده به سوریه در مورد کاربرد سلاح کیمیائی اخطار می دهند، «به هیچ عنوان قابل قبول نیست» به گفته اوباما، یا «که از خط قرمز عبور خواهد کرد و مسوولان آن باید پاسخگو باشند» به گفته هیلری کلینتن، و وقتی نیویورک تایمز را می بینیم [مثل بسیاری از رسانه های غربی] و یا هر رهبر سیاسی و یا روشنفکر غربی دیگر که این بیانیه ها را تکرار کرده و به آن بال و پر می دهد، در مقابل این همه ریاکاری شگفت انگیز بهت زده می شویم.

با آگاهی به این امر که ایالات متحده رکورد دار کاربرد سلاح های کیمیائی در جهان بوده، و همیشه از امضای پیمان منع کاربرد این نوع سلاحها امتناع کرده است. و علاوه بر این امروز دائماً در تمام جنگ افروزیهایش، سلاح های اورانیوم ضعیف شده به کار می برد (اورانیوم ضعیف شده سلاحی اتمی و در عین حال کیمیائی بوده و شمار انواع قربانیان، فراتر از اهداف مستقیم آن است)!

کاربرد گسترده عنصر نرنجی در ویتنام یا مهمات با شارژ فسفر سفید در عراق از جمله مواردی است که همه از چگونگی آن اطلاع دارند، اینطور نیست؟ آیا ممکن است که کلینتن، اوباما و رسانه ها از چنین مواردی بی اطلاع باشند؟ آیا در اینجا یکبار دیگر تکبر قدرتی را مشاهده نمی کنیم که می گوید تنها وقتی که دشمن دست به کار شوک آوری می زند باید از اخلاق و قانون بین المللی حرف بزنیم؟

شاید مخلوطی از هر دو، و همان ریاکاری نهفته در دو وزن و دو معیار مختلف برای سنجش است که به شکل فوق العاده ای باید توجه ما را به خود جلب کند. کهن الگوی این نوع رفتار می تواند داستان «باران زرد» باشد - سم کیمیائی که گویی شوروی ها طی سالهای ۱۹۸۰ در آسمان لائوس پخش کرده اند. ولی گزارشات مرتبط به ارتکاب چنین عملی فاقد مدرک جرم عینی بود، ولی در آن دوران مانع دولت ریگان نشد که از آن برای ابلیس نمائی «امپراتوری شر» بهترین بهره برداری ها را به عمل نیاورد.

هر چند ثابت شده بود که اتهامات وارده آمده - به شوروی ها - واقعیت نداشته و اشتباه بوده است و هر چند که پژوهشگر امریکائی، متیو میسیلسون مدارکی تهیه کرد که نشان می داد که «باران زرد» در واقع مدفوعات زنبورها بوده و سمی نیست، ولی از دیدگاه وال استریت ژورنال و رسانه های همگانی هم پیمان «باران زرد سمی بوده و شوروی ها آن را پخش کرده اند». و دائماً از «مزارع سمی لائوس» گزارش تهیه می کردند تا به جهانیان نشان دهند که «چه کسی خوب، و چه کسی بد بوده است» («کلینتن درس تاریخی ویتنام را ندیده می گیرد» وال استریت ژورنال، ۹ سپتامبر ۱۹۹۲).

به عبارت دیگر کین(۱) جنگ کیمیائی عظیمی را که ایالات متحده واقعا علیه ویتنام، لائوس و کامبوج راه اندازی کرد ندیده گرفت ولی دائماً از داستان قدیمی «باران زرد» توسط شوروی ها یاد می کرد، حتی اگر از مدتها پیش غیر واقعی بودن آن به اثبات رسیده باشد.

در واقع ریاکاری، دغل کاری یا هر دو با هم، به سختی بتوان بهتر از این کارها را به پیش برد! مشخصاً در روزنامه خودش، در مقاله ای به تاریخ ۱۹۹۷ از ۵۰۰۰۰۰ کودک ویتنامی که از ضایعات مادرزادی رنج می برند یاد می کند که در واقع حاصل اعمال همانهایی است که او آنها را «خوب ها» می نامد

(Peter Waldman, "Body Count : In Vietnam, the Agony Of Birth Defects Calls An Old War to Mind," *WSJ*, 12 décembre 1997).

امروز وفاداران به امپریالیسم امریکا تلاش می کنند که ماهی را در مورد جنگ کیمیائی علیه ویتنام غرق کنند و همین شیوه غرق ماهی در آبهای سکوت را در مورد کاربرد سلاح های اورانیوم ضعیف شده در جنگ های معاصر نیز تکرار می کنند (۲).

استیون پینکر (۳) در کتابی که اخیراً تحت عنوان «بهترین تمایلات فطری ما : چرا خشونت کاهش یافته است» (۴) منتشر کرد، که خیلی مورد توجه و تشویق محافل سیاسی حاکم قرار گرفت. استیون پینکر آشکارا در مورد موضوع مطروحه اش دروغ می گوید، او به خوانندگان می گوید آن عاملی که اخلاق را در سطح جهانی متحول ساخته و به کاهش خشونت انجامیده، پیشرفت دموکراسی های بزرگ غربی و همانا محکوم دانستن کاربرد سلاح های کیمیائی و امتناع از کار بست آن بوده است. ولی در چند صفحه ای که استیون پینکر به خشونت جنگ ویتنام می پردازد، حتی یک کلمه درباره کار بست گسترده سلاح های کیمیائی نمی نویسد که در طرحی به نام «عملیات کارگر مزرعه» (۱۹۶۲-۱۹۷۱) (۵) به اجرا گذاشته شد، و با اجرای عملیات مشابه دیگر در جنگ علیه ویتنام، لائوس و کامبوج گسترش یافت.

به همین نسبت در مورد سوریه، در تبلیغات رسمی نمی گویند که دولت سوریه از این پس چنین سلاح هائی را به کار می برد، ولی تنها می گویند که غربی ها مدارکی در دست دارند که نشان می دهد که گویی سوریه در حال تدارک چنین سلاحی به عنوان آخرین حربه می باشد : «آنچه موجب نگرانی ما می باشد، این است که رژیم اسد بیش از پیش در تنگنا قرار گرفته و ممکن است به کار بست چنین سلاح هائی روی بیاورد و یا کنترل ذخائرش را از دست بدهد و بر این اساس سلاح های کیمیائی به دست گروه هائی بیفتد که در سوریه فعال هستند.» (هیلری کلینتن)

در این مورد، تنها اخیراً واشینگتن و رسانه های همگانی سرانجام به حضور القاعده بین گروه ها و «مبارزان آزادی» اعتراف کردند که غربی ها از فعالیت آنها در سوریه پشتیبانی می کنند - و آنچه که حضور چنین گروه هائی می تواند ایجاد نگرانی کند.

این نوع فرصت طلبی ها می تواند یک بار دیگر به سهولت روی دیگر سکه طلائی باشد، به همان شکلی که پس از پشتیبانی از القاعده در افغانستان یا در لیبیا روی داد، ایالات متحده دوباره از آنهائی پشتیبانی می کند که در آینده متعاقباً «بدترین بدترها» نامیده خواهند شد - و از مقام « مبارزان آزادی» که اکنون سخاوتمندانه به آنها اسلحه و پشتیبانی اعطا می کند، فردا به مقام دیگری برگزیده شده، و به زندانهای غیر قانونی، و به شکنجه و قتل های هدف گیری شده محکوم خواهند شد.

علاوه بر تهدید سلاح کیمیائی در سوریه، نمایندگان غربی در مورد کاربرد بمب های خوشه ای توسط ارتش رسمی سوریه علیه شهروندان در درگیری های جاری نیز خیلی اظهار نگرانی کرده اند

(C.J. Chivers, "In Syria, Cluster Munitions Takes Its Toll," *New York Times*, 21 décembre 2012).

در این جا نیز، با یکی از مواردی روبه رو می شویم که در عین حال آشنا و مضحک به نظر می رسد، زیرا رسانه ها یک بار دیگر همکاری هایشان را روی تلاش های ریاکارانه در رابطه با مسائل عینی متمرکز ساخته، ولی در انتخاب چهره ابلیس در وضعیت رقت آوری هستند.

پیش از این، صرب ها را به «تصفیه قومی» متهم کردند، بی آن که دخالت ناتو در راه اندازی جنگ داخلی را در محاسباتشان در نظر بگیرند.

ولی به هیچ عنوان نمی توانیم انتظار داشته باشیم که با چنین محاسباتی از تصفیه قومی که اسرائیل طی سالیان دراز در مورد فلسطینی ها راه اندازی کرد، حرف بزنند.

بر اساس آنچه رسانه های غربی از حوادث لیبیا منعکس می کردند، گویی که قذافی گفته بوده است که بنگازی را به حمام خون تبدیل خواهد کرد، در نتیجه به یمن همین رسانه ها و سازمان ملل متحد بود که اینبار ایالات متحده، هم پیمانانش در ناتو، شورشیان محلی و سربازان مزدوری که از خارج وارد لیبیا کرده بودند، واقعاً موفق شدند که حمام خون راه بیندازند و البته با یک نقطه پایان برجسته یعنی اعدام بی دادگاه قذافی. و این هیلری کلینتن است که با افتخار و خنده تمسخرآمیز اعلام می کند: «ما آمدیم، جنگیدیم، او مرد!» که تکرار هجو آمیز جمله پرطمطراق ژولیوس سزار است – «آمدیم، دیدیم، پیروز شدیم»

[*“We came, we fought, he died!” “Veni, Vidi, Vici!” de César.*]

سلاح کشتار جمعی در انبارهای صدام حسین به پیکره همین اسطوره پردازی تعلق دارد که به عنوان بهانه برای جنگ تجاوزکارانه از سوی ایالات متحده علیه عراق به کار بسته شد و در اینجا نیز به نابودی یک کشور، کشتار مردم آن و قتل «رهبر شرور» آن انجامید.

پیرامون حوادث سوریه، در حال حاضر یک عنصر شرور دیگر، ایران است که جهان را با پافشاری روی برنامه هسته ای اش تهدید می کند. ایران، بی گمان هدف بعدی در فهرست برنامه دموکراسی های بزرگ برای تولید دولت های ناموفق شکست خورده قرار دارد – همان گونه که استیون پینکر این دموکراسی های بزرگ را می نامد: «دولتهای رادیکالمان ضد خشنونت».

حال برمی گردیم به موضوع بمب های خوشه ای، ایالات متحده به شکل گسترده از این نوع سلاح ها در ویتنام و لائوس، در عراق و بعداً در جنگ هوایی علیه صربستان، در سال ۱۹۹۹ استفاده کرد. اسرائیل نیز در جنگ تجاوزکارانه طی سال ۲۰۰۶ سخاوتمندانه از بمبهای خوشه ای علیه لبنان استفاده کرد و بذر مرگ را به ویژه در آخرین روزهای جنگ در سراسر کشور پراکند، در حالی که به صلح نزدیک شده بودند. ارتش اسرائیل تقریباً نیم میلیون بمب پس از آخرین حمله به لبنان برجا گذاشت. فرمانده اسکادران هواپیماهای بمب افکن اسرائیل در این مورد اظهار داشت: «آنچه ما انجام دادیم، جنون آسا و هیولائی بود، ما چند شهر را در لبنان به تمامی با بمب خوشه ای-مهمات با عملکرد ثانوی در زمان - بمباران کردیم [فرمانده نیروهای اسرائیلی اعلام کرد: ما بیش از یک میلیون بمب خوشه ای روی لبنان پرتاب کردیم] (هآرتض، ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۶).

ولی درباره این نوع عملیات، مقامات مسؤل امریکائی و رسانه ها هیچ نقد خاصی برای مطرح کردن نداشتند – بی آن که از درد و رنج به دنیا آوردن خاورمیانه نوین یا مرگ آن چیزی بگویند.

مانند تمام رسانه های بزرگ، نیویورک تایمز هرگز نقل قولی حتی از یک فرمانده نیروی نظامی اسرائیلی که کاربرد بمب های خوشه ای توسط کشورش را افشاء کرده و آن را هیولائی نامیده باشد منتشر نکرده و یا هنوز او را کشف نکرده است.

تنها مقاله ای که درباره این موضوع منتشر کرده نه شمار بمب های پرتاب شده را قید کرده، و نه هیچ توضیح مشخصی درباره زمان یا مناطق بمباران شده و نه هیچ توضیحی درباره تأثیرات آن. هیچ انتقادی نیز در خصوص کاربرد چنین مهماتی از سوی اسرائیل مطرح نکرده و به ویژه با امتناع از هیولائی خواندن چنین جنایتی خودش را به مخاطره نینداخته است.

در سنت قدیمی دفاع از پاکسازی قومی، گزارشات مشخصا عاری از هر گونه بحثی بود. با نگاهی به عناوین مقالات نیویورک تایمز نیز مشاهده می کنیم که هرگز موضوع شهروندان یا مناطق غیر نظامی که هدف مطلوب بمبارانها و

ویران شدن آنها به صفحات اول اختصاص نداشته است - ولی در مورد لیبیا در دوران قذافی و یا سوریه در دوران اسد به شکل کاملاً مشخصی اینگونه گزارشات به صفحات اول تعلق داشته است.

در مورد اسرائیل در لبنان، تنها مطلبی که می توانیم بگوئیم کمابیش به موضوع ما مربوط می باشد چیزی است شبیه : «لبنانی ها و بشردوستان خطر ویرانی ها را کشف می کنند» (۲۵ اگست ۲۰۰۶)، اگر چه این روزنامه مقاله ای از دیدبان حقوق بشر نیز منتشر کرده است که سیاست اسرائیل را جنایت جنگی نامیده (کیفنز، ۲۴ اگست ۲۰۰۶)، و یک مقاله دیگر که به جزئیات وحشی گرانه و خصوصیت ضد شهروندی و خشونت اسرائیل می پردازد

(Worth et Kifner, 25 août 2006).

ایالات متحده مانند اسرائیل پیمان نامه منع کاربرد بمب های خوشه ای را امضا نکرد (چند کشور دیگر مانند روسیه و چین نیز آن را امضاء نکردند). به گفته ریچارد نورتون-تیلور، عفو بین الملل، آکسفام و قطعنامه ۳۶- گروه هماهنگ سازی برای جلوگیری از به کار بستن این نوع سلاح ها اعلام کردند که در مذاکراتی که توسط ایالات متحده تدارک دیده شده بود، امور بشر دوستانه کاملاً به حاشیه رانده شد، و چهارشنبه آینده بریتانیایی ها را فراخواند خواست تا مانع ایالات متحده شود که این چیزی که نام دیگری به جز «جواز کشتن» به ضرب بمب خوشه ای ندارد، را تحمیل نکند.» (Le Guardian, 22 novembre 2011) *“US pushing UN to lift ban on cluster bombs, say campaigners”*

ولی امریکائی ها اطمینان دادند که آخرین مدل های «س ب یو» (۶) واقعا هدف یاب بوده و میزان اشتباه آن خیلی اندک است. می توانیم نتیجه بگیریم که «س ب یو» هائی که ارتش سوریه در اختیار دارد مدل های قدیمی بوده، یعنی آنهایی که مهارت فنی کافی در آنها به کار نرفته و بد هستند. یا شاید ایالات متحده، هم پیمانانش و مشتریانشان - یعنی آنهایی که خوبه ها هستند، در هر جنگی، در واقع تنها همانهایی هستند که حق داشتن و استفاده از چنین سلاحهایی را دارا می باشند.

یکی از خصوصیات اصلی بمب های خوشه ای و کاربرد این نوع سلاح، جایگاه ویژه و ممتاز کودکان بین قربانیان است - مقامات امریکائی و رسانه ها، از سوی دیگر، در رابطه با سرنوشت کودکان در منازعات نظامی توجه خاصی مبذول می دارند. آیا رئیس جمهور بارک اوباما اخیراً برای کودکانی که در واقعه نیوتان در کانکتیکات کشته شدند اشک نمی ریخت؟ (۷)

آیا رسانه ها نیز تحت تأثیر این واقعه قویاً دچار هیجان نشده بودند؟

خب، از سوی دیگر، ۵۰۰۰۰۰ کودک ویتنامی داریم که با نقص عضو به دنیا آمده اند، علاوه بر این صدها هزار نفر دیگر در این کشور طی جنگ کشته شده و یا جراحت دیده اند، ولی بی آن که به چنین اموری توجه خاصی ابراز دارند، یا اظهار تأسف کنند، و یا حتی به فکر جبران خسارت باشند، یا کمک پسا-جنگ برای قربانیان در نظر بگیرند (ولی ۱۸ سال بایکوت به عنوان جریمه، آری).

پاسخ مادلن اولبرایت، در مورد ۵۰۰۰۰۰ عراقی کمتر از ۵ سال قربانی که «مجازات کشتار جمعی» شدند، بسیار مشهور خاص و عام است، او گفته بود : «به این بها می ارزد!»

چنین پاسخی عیناً مانند نامه ارسالی توسط پست در رسانه های جانبدار ما منتشر شد، ولی بی آنکه موجب اعتراض شود و یا واکنش خاصی را برانگیزد. و سپس موج دائمی «حملات هدفمند» با پهپادهای ما علیه «مبارزان» - با کاروان «سهل انگاری» یا «خسارات جانبی» (۸) در سنین پائین - به مدیریت همین اوبامای غمگین، و با بی اعتنائی رسانه های ما که هیچ هیجان و واکنشی را نشان نمی دهد. در منطقه فالوجه در عراق افزایش نوزادانی که با نقص عضو به دنیا می آیند، نوزادانی که مرده به دنیا می آیند و سقط خود به خودی به شکل فوق العاده ای رو به افزایش داشته است ،

بی گمان کاربرد گسترده سلاح های اورانیوم ضعیف شده توسط ارتش ایالات متحده در این منطقه مسؤول این فاجعه انسانی و بحران بهداشتی در سطح عمومی بوده است(۹).

(Sarah Morrison, "Huge Rise in Iraq Birth Defects Linked to US Cluster Bombing," *The Independent* [UK], 15 octobre 2012).

رسانه های ما هرگز به کودکانی که در دور دستها کشته و یا معلول می شوند توجه خاصی نداشته است، حتی وقتی که رهبران ما اعلام می کنند که زندگی هر انسانی ارزشمند است. اگر بخواهیم بی پرده حرف بزنیم، نسبت به زندگی و سلامت کودکان در کشور ما یا در خود امریکا، به همین اندازه بی اعتنا هستند. چه تعداد از این کودکان ونو جوانان در خیابانها و گنوها کشته می شوند، بی آن که از آنها بگوئیم که شمارشان بیش از پیش افزایش می یابد، و در جهانی که به سوی نابرابری فزاینده نیل می کند و در حالی که نظام اجتماعی از هم فرو می پاشد به سختی به زندگی ادامه می دهند.

حد و حدود ریاکاری نمایندگان طبقه حاکم وقتی که از سلاح های کیمیائی، بمب خوشه ئی یا سرنوشت کودکان در سطح جهان حرف می زنند واقعاً سرسام آور است. آنچه که بدتر از «شوتزپاه» به نظر می رسد، وقتی است که کلینتن و اوباما، با استفاده از فرصتی که پیدا کرده اند به سوریه در مورد سلاح های کیمیائی و بمب خوشه ئی اخطار می دهند. اینگونه به نظر می رسد که این افراد به تکثیر و کلی منشی خود با دو وزن با دو معیار سنجش آگاه نیستند.

بی نوشت :

1)Kann

۲) مترجم : خصوصاً باید یادآور شویم که مدافعان حقوق بشر ایرانی تا امروز با وجود هوشدارهای مداوم از سوی گاهنامه هنر و مبارزه و سایت های پشتیبان، در مورد کاربرد سلاح های اورانیوم ضعیف شده و نتایج آن سکوت اختیار کرده اند و بعضاً تنها به دریافت جایزه و دفاع از گروه های تروریست مانند مجاهدین خلق یا پژاک (زوربگیر و قاچاقچی مواد مخدر) اشتغال دارند. اپوزیسیون های ایرانی که جای خاص عالی مقام خود را دارند، برخی از آنها کاملاً در کنار القاعده و تروریست های وهابی صادر شده به سوریه قرار گرفته اند، و پس از این همه ویرانی، و این همه قتل عام شهروندان سوری و پس از این همه آوارگی و جراحت ترس و وحشت از جنگ داخلی (ساخت یو اس آ + فرانسه + ناتو + شیخ قطری و آقای سلطان زاده و شاهزاده عربستانی با نایت کلوب های در بسته در جده با جانماز استرینگ مدل مادونا های اسکول آف گود فاک با الله اکبر) تنها چیزی که در بهترین حالت برای گفتن دارند، همین است که بگویند « اسد دیکتاتور است و نباید از او دفاع کرد. همین اپوزیسیون های دموکراتیک و نمی دانیم چی چی و چی چی پیش از این در کنار به اصطلاح انقلابیان «صلح طلب و بی سلاح لیبیا» به سر می بردند و برای آتش بازی های پرداتورهای یانکی ها هورا می کشیدند. و حالا هم از مدت های مدید و ندید برای ایران دموکراتیک دندان تیز می کنند.

3)Steven Pinker

4) *The Better Angels of Our Nature : Why Violence Has Declined*

5) *Opération Ranch Aid*

6) CBU [Cluster Bomb Unit]

۷) ایالات متحده امریکا : شهر کوچک نیوتان در وحشت. ۲۴ دسمبر ۲۰۱۲.

<http://www.afgazad.com/Siasi-12/122512-T-HM-USA-Dar-Wahshat.pdf>

۸) گزارشات و تحلیل های متعددی در گاهنامه هنر و مبارزه و به ویژه در وبلاگ از هیروشیما تا بغداد در اختیار داریم که نشان می دهد که ستراتی ایالات متحده و به طور کلی غرب اساساً در جنگ هائی که بر پا می کنند بر اساس کشتار غیر نظامیان سر و سامان یافته. در این مورد به ویژه می توانید به متن سخنرانی ونسان رنوآر مراجعه کنید : «اسرار و رسوائی سلاح های اورانیوم ضعیف شده». البته در این مورد پرونده های بسیاری در اختیار داریم.

<http://stopua.blogfa.com/post/30>

و مقاله

خسارات جانبی : پشت پرده حرکات خوف ناک دولتی

نوشته گیوم دو روویل

<http://www.afgazad.com/Hoghogh-Bashar/090612-T-HM-Khesaaraate-Jaaneby.pdf>

۹) مراجعه شود به وبلاگ : از هیروشیما تا بغداد. وبلاگ ویژه کاربرد اورانیوم ضعیف شده در جنگ های معاصر

<http://stopua.blogfa.com/>

در گاهنامه هنر و مبارزه منتشر شده است

۲۱ دسمبر ۲۰۱۲

سریال سلاح های کیمیائی سوریه :

فاجعه بشری سازمان یافته توسط ایالات متحده و ناتو ؟

نوشته پروفیسور میشل شوسودوسکی

<http://www.afgazad.com/Hoghogh-Bashar/122212-T-HM-Seriale-Salaah-Haaye-Kimiaaye-Soria.pdf>

گاهنامه هنر و مبارزه

۲ مارچ ۲۰۱۳

INVESTIG'ACTION

Pire que Chutzpah !

بدتر از «شوتزپاه»

۲۶ فیروری ۲۰۱۳

*- استاد افتخاری امور مالی در مدرسه وارتون در دانشگاه فیلادلفی، اقتصاد دان و منتقد رسانه های همگانی، نویسنده چندین کتاب از جمله «قتل عام قومی و تبلیغات» (با همکاری دیوید پترسون، مونترآل ۲۰۱۲)

Article original paru sur [Z Net - The Spirit Of Resistance Lives](http://www.michelcollon.info/Pire-que-Chutzpah.html)

<http://www.michelcollon.info/Pire-que-Chutzpah.html>